

بررسی و تحلیل احادیث نهی از دعا و نماز نزد قبور

غلامرضا رضائی*

چکیده

نوشتار حاضر، به بررسی و تحلیل احادیث پرداخته است که وهابیان با استناد به آنها، به حرمت دعا و نماز نزد قبور فتوا داده‌اند. این نوشتار، نادرستی ادعای وهابیان را با این دلایل اثبات می‌کند:

الف) دلالت احادیث فراوان بر مشروعیت دعا و نماز نزد قبور؛

ب) عملکرد صحابه؛

ج) فهم شارحان حدیث از اهل سنت؛

د) فهم فقیهان اهل سنت؛

ه) احادیث تبیین کننده.

کلید واژگان: حدیث، دعا، نماز، صحابه، فقیهان، ابن تیمیه، وهابیان.

*. عضو گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت و دانش آموخته سطح چهار حوزه کلام اسلامی.

مقدمه

وهابیان با تأسی به آرا و افکار ابن تیمیه، در مقابل بسیاری از سنت‌های اسلامی که از دیرباز در میان امت اسلامی رواج داشته، به موضع‌گیری‌های افراطی دست زده‌اند و از آن تأسف‌بارتر اینکه برای توجیه افراط‌گرایی‌های خود، به روایات منسوب به پیامبر اکرم ﷺ استناد کرده و با برداشت ناصواب از آنها، بزرگ‌ترین جنایات و خیانت‌ها را به امت اسلامی روا داشته‌اند، که از آن جمله، مسئله نمازگزاردن و خواندن دعا نزد قبور است.

نوشتار حاضر، دیدگاه وهابیان و مستند آنان در این باره را مورد بررسی و نقد قرار داده است. در این راستا به تحلیل احادیثی از پیامبر اکرم ﷺ می‌پردازیم که مشروعیت نماز و دعا کنار قبور را اثبات می‌کند. همچنین عملکرد صحابه، برداشت محدثان و فقیهان بزرگ اهل سنت از احادیث نهی و احادیثی که تبیین‌کننده مفاد احادیث نهی هستند، بررسی خواهد شد.

۱. دیدگاه وهابیان

ابن تیمیه در رساله «زیارة القبور» درباره نماز خواندن نزد قبور می‌نویسد:

هیچ کس از پیشوایان گذشته، نگفته است که نماز نزد قبور و مشاهد اولیا، مستحب است و نیز نگفته‌اند که نماز و دعا در آنجا، افضل از جای دیگر است؛ بلکه همگی اتفاق نظر دارند که نماز در مساجد و خانه‌ها، افضل از برگزاری آنها نزد قبور اولیا و صالحان است.^۱

وی در جای دیگر، به صراحت نماز خواندن کنار قبور را حرام و فاعل آن را ملعون می‌شمارد: «ثم من المعلوم ما قد ابتلي به كثير من هذه الأمة، من بناء المساجد على القبور واتخاذ القبور مساجد بلا بناء، وكلا الأمرين محرم ملعون فاعله بالمستفيض من السنة».^۲

او همچنین اعتقاد به مستجاب بودن دعا نزد قبر پیامبر ﷺ یا سایر اولیای الهی را مرتبه چهارم بدعت می‌پندارد^۳ و انتخاب مکان‌های یاد شده برای دعا را خلاف شرع، و فراتر از آن، فرد معتقد به افضلیت این مکان‌ها را کافر می‌داند.^۴

محمد بن عبدالوهاب، پیشوای فرقه وهابیت نیز ادعا کرده است که هیچ‌گاه صحابه، نزد قبر پیامبر ﷺ از خدای متعال چیزی درخواست نکردند. بلکه سلف صالح، کسی را که نزد قبر آن حضرت ﷺ از خدای متعال چیزی طلب کند، نکوهش کرده‌اند.^۵

بن باز، مفتی معروف وهابیت گفته است: «دعا کردن نزد قبور، غیر شرعی است و در این مسئله، بین قبر پیامبر ﷺ با سایر قبور، تفاوتی نیست و مکان یاد شده، محل استجاب دعا نیست.»^۶ وی همچنین گفته است:

لا یصلی عند القبور ولا تتخذ محلا للدعاء، تقصد للدعاء عندها، ولا القراءة عندها، کل هذا من البدع كذلك طلب البركة، منها أو الشفاعة منها أو الشفاء، هذا من أنواع الشرك الأكبر.^۷

نباید نزد قبور نماز خواند و آن را به عنوان محلی برای دعا اتخاذ کرد و در نزد آن قرآن خواند؛ همه اینها بدعت است. همچنین طلب برکت یا شفاعت و شفا از قبور آنان، از انواع شرک اکبر است.

ابن عثیمین، از علمای وهابی معاصر، نیز انتخاب مراقد مطهر پیامبران ﷺ را برای دعا، بدعت و وسیله‌ای برای شرک می‌داند.^۸

الف) دلایل وهابیان

دلایل وهابیان بر فتوای یاد شده، احادیث منسوب به پیامبر اکرم ﷺ است،^۹ که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

«لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسْجِدًا»،^{۱۰} «خداوند، یهود و نصارا را از

رحمت خود دور کند؛ [چرا که] قبرهای پیامبران خود را مسجد اتخاذ کردند».

«اجْعَلُوا فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ صَلَاتِكُمْ وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا»^{۱۱} «بعضی از نمازهای خود را در خانه‌های خود به جای آورید و آن را مانند قبور نگردانید».

«لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ، وَلَا تَجْلِسُوا عَلَيْهَا»^{۱۲} «بالای قبرها ننشینید و به سمت قبرها نماز نخوانید».

وهابیان با استدلال به احادیث یاد شده و مانند آن، که در کتب معتبری چون صحیح بخاری و صحیح مسلم آمده است، بی‌مهابا حکم به حرمت نماز و دعا نزد قبور داده، و بالاتر از آن، مرتکب آن را بدعت‌گذار، مشرک و کافر نامیده‌اند.

ب) تذکر چند نکته

قبل از پاسخ به ادعای وهابیان، به چند نکته اشاره می‌کنیم:

۱. مسئله نماز خواندن و دعا کردن کنار قبور، چنان که پیداست، مسئله‌ای فقهی است، که باید از منظر فقه بررسی شود و نه از منظر عقاید. نتیجه آن نیز تنها یکی از احکام پنج‌گانه و خوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه است و نه کفر و شرک نمازگزار و دعاکننده کنار قبور! از این رو ورود به این مسئله از منظر عقاید و حکم به کفر و شرک، امری اشتباه و انحرافی خطرناک است.

۲. نظر یک سویه به بعضی از احادیث و بی‌اعتنایی به احادیث معارض یا احادیثی که تفسیر و تبیین‌کننده احادیث متشابه و مجمل هستند، و همچنین بی‌توجهی به سیره مسلمانان و بی‌اعتنایی نسبت به دیدگاه فقیهان و عالمان مسلمان از احادیث مورد استناد، و افزون بر این، پی‌نبردن به زمینه و انگیزه بیان احادیث، از جمله مشکلات و نقیصه‌های علمای وهابی است، که موجب برداشت انحرافی آنان از مسائل و معارف دین و از جمله برداشت انحرافی آنان از احادیث نهی، شده است.

۳. اگرچه احادیث نهی در متون روایی معتبر اهل سنت آمده است و بعضی از آنها به لحاظ سند نیز، مشکلی ندارد، ولی به لحاظ دلالت، از سویی با سایر روایات معتبر در تعارض است و از سوی دیگر، مورد تحلیل و نقد جدی علمای بزرگ اهل سنت قرار گرفته است.

۲. رد ادعای وهابیان

در پاسخ به ادعای وهابیان مبنی بر نامشروع بودن دعا و نماز نزد قبور، نخست به بعضی از احادیث که در متون روایی معتبر اهل سنت آمده است و به صراحت بر مشروعیت نماز و دعا نزد قبور دلالت دارد و در تعارض با احادیث نهی است، اشاره می‌کنیم. سپس به بررسی عملکرد صحابه در این باره می‌پردازیم و پس از آن، برداشت شارحان حدیث از احادیث مورد استناد و همچنین فهم فقهای اهل سنت در این باره را یادآور می‌شویم.

الف) دلالت احادیث بر مشروعیت دعا نزد قبور

در متون روایی معتبر اهل سنت، احادیث فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد که به صراحت، بر مشروعیت، بلکه افضلیت دعا و نماز نزد قبور اولیای الهی دلالت می‌کند. در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

یک- درخواست عافیت

سلیمان بن بریده از پدرش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مقابر می‌رفت و این گونه بر اهل قبور، سلام می‌داد:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، أَنْتُمْ لَنَا
فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ لَنَا وَلَكُمْ.^{۱۳}

سلام بر شما اهل این دیار از مؤمنان و مسلمانان. ما ان شاء الله به شما ملحق می‌شویم. شما پیشروان ما بودید و ما به دنبال شما می‌ایم. از خدا برای ما و شما، درخواست عافیت می‌کنم.

همچنین در روایت دیگر آمده است که حضرت به اصحاب آموخت که وقتی به قبرستان می‌روند، این گونه بگویند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ... وَتَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَالْعَافِيَةَ»؛^{۱۴} «... از خدا برای خودمان و شما، عافیت را طلب می‌کنیم».

در این باره، چند نکته درخور توجه است:

۱. چنان‌که ملاحظه می‌شود در حدیث اول، بر خلاف پندار و هابیان، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای خود و سایر زندگان، از خدای متعال درخواست عافیت کرد و فرمود: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ لَنَا وَلِكُمْ». جالب این است که حضرت، دعا برای زندگان را مقدم داشت. در حدیث دوم نیز حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اصحاب خواست که به همان شیوه یادشده، دعا کنند.
۲. در روایت دوم، از بیان راوی استفاده می‌شود که این تعلیم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، درباره چگونگی زیارت قبور و سلام کردن بر اهل قبور، همیشگی بوده است؛ زیرا در روایت می‌خوانیم: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْلَمُهُمْ إِذَا خَرَجُوا إِلَى الْمَقَابِرِ فَكَانَ قَائِلُهُمْ يَقُولُ: ...»؛^{۱۵} «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوسته به آنان می‌آموخت که وقتی به قبرستان می‌روند، چنین بگویند ...».
۳. وقتی دعا کردن نزد قبر با قول و فعل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشروعیت یافت، دیگر بین کم یا زیاد آن فرقی نیست؛ زیرا بی‌شک اگر دعا نزد قبر، بدعت، کفر و شرک باشد، اندک آن هم بدعت و شرک است. افزون بر این، از حدیث دیگری که در صحیح مسلم و سایر متون روایی آمده است، به خوبی می‌توان دریافت که حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قبرستان بقیع، برای مدت طولانی نیز مشغول دعا و مناجات بود؛ زیرا عایشه در حدیث یادشده تصریح کرده است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای مدت طولانی، در آنجا سر پا ایستاده بود: «... حَتَّى جَاءَ الْبُقَيْعَ فَقَامَ، فَأَطَالَ الْقِيَامَ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ انْحَرَفَ فَأَنْحَرَفْتُ».^{۱۶}
۵. کسی در اعتبار حدیث یادشده، تردید نکرده است. بلکه افزون بر نقل در متون روایی معتبر،^{۱۷} ابن تیمیّه و البانی به صحت آن اعتراف کرده‌اند.^{۱۸}
۶. بر خلاف آنچه وهابیت فتوا می‌دهد،^{۱۹} در حدیث یاد شده نیامده است که حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام خواندن زیارتنامه، با اینکه مشتمل بر دعاست، پشت به قبور و رو به قبله ایستاد و همچنین نیامده است که حضرت به صحابه فرموده باشد: هنگام دعا نزد قبور، روی خود را سمت قبله کنید. بلکه در روایت آمده است: «فَأَقْبَلَ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ»؛^{۲۰} «حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رو به سمت قبور کرد».

۷. این نکات یادشده، برای سایر احادیثی که در ادامه خواهد آمد نیز، درخور توجه و درنگ است.

دو- درخواست مصونیت از فتنه و گمراهی

عایشه می‌گوید: از همان آغاز شب، پیامبر ﷺ را ندیدم. پنداشتم نزد برخی از همسرانش رفته است. جست‌وجو کردم تا به بقیع رسیدم. [در آنجا شنیدم که حضرت] می‌فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَإِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُمْ وَلَا تُضِلَّنَا
بَعْدَهُمْ. ۲۱

سلام بر شما گروه مؤمنان! همانا ما به شما ملحق خواهیم شد. خدایا! ما را از پاداش آنان محروم مفرما و ما را بعد از آنان، گمراه نکن.

در روایت دیگری آمده است: «وَلَا تَفْتِنْنَا بَعْدَهُمْ»؛ ۲۲ «ما را بعد از آنان به فتنه میفکن». در

اینجا به برخی از نکات درخور توجه در این حدیث شریف، اشاره می‌کنیم:

اولاً: طبق گفته عایشه، پیامبر ﷺ از سر شب تا آن زمان که عایشه ایشان را یافت، در قبرستان بقیع بود و بی‌شک حضرت ﷺ در آنجا به عبادت، از جمله دعا، نماز و زیارت مشغول بود؛ ۲۳ زیرا محال است آن حضرت، لحظه‌ای از وقت خود را به غفلت سپری کند. بنابراین بر خلاف فتوای وهابیان، معلوم می‌شود که طولانی شدن حضور زائر نزد مزور و خواندن نماز و دعای طولانی و زیارت مفصل، نه تنها مانعی ندارد، بلکه با استناد به فعل پیامبر ﷺ، استحباب آن نیز ثابت است.

ثانیاً: اینکه حضرت ﷺ، قبرستان بقیع را به‌جای مسجد النبی ﷺ برای عبادت انتخاب کرد - با وجود آن همه فضیلت که برای آن ثابت است - و آن‌گاه مدت طولانی در آنجا درنگ کرد، دلیل دیگری بر مشروعیت نماز، دعا و زیارت طولانی در این‌گونه مکان‌هاست.

ثالثاً: بنا بر اظهار عایشه، پیامبر ﷺ هر شبی که پیش عایشه بود، به قبرستان بقیع می‌رفت: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُلَّمَا كَانَ لَيْتَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُخْرُجُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ إِلَى الْبَقِيعِ

فَيَقُولُ: «...».^{۲۴} از این گفته عایشه معلوم می‌شود که بر خلاف تبلیغ وهابیت، نه تنها به صورت مستمر به زیارت قبر مطهر پیامبر ﷺ رفتن و دعا کردن نزد قبر آن حضرت حرام نیست،^{۲۵} بلکه مستحب است؛ زیرا فعل پیامبر ﷺ حجت است و زیارت با کیفیت یادشده، به طریق اولی، شامل خود ایشان نیز می‌شود.

سه- درخواست رحمت

عایشه در گزارش دیگری، چنین یادآور شده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و عرضه داشت: پروردگارت فرمان داده است به قبرستان بقیع بروی و برای آنان، طلب رحمت کنی.» عایشه عرض کرد: «ای رسول خدا ﷺ چگونه برای آنها استغفار کنم؟». حضرت فرمود بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ،
وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْآحِقُونَ.^{۲۶}

سلام بر ساکنان مؤمن و مسلمان این سرزمین. خدا، گذشتگان و آیندگان ما را رحمت کند! و آن‌گاه که خدا بخواهد، به شما می‌پیوندم.

چهار - درخواست آمرزش

ابن عباس می‌گفت:

مرَّ رسول الله ﷺ بقبور المدينة فأقبل عليهم بوجهه فقال: «السلام عليكم يا أهل القبور،
يغفر الله لنا ولكم».^{۲۷}

رسول خدا ﷺ هنگام عبور از کنار قبور مدینه، به آنها روی کرد و فرمود: «درود بر شما ای اهل قبور! خدا، ما و شما را ببامرزد. شما پیشگامان مایید و ما در پی شما خواهیم آمد.»

جالب اینکه همه دعاهای یادشده را ابن تیمیه یک جا به عنوان آداب زیارت قبور آورده است. او می‌گوید:

از طریق صحاح، سنن و مسانید، ثابت شده است که پیامبر ﷺ به اصحابش می‌آموخت که هنگام زیارت قبور، این‌گونه بگویند: «السلام علیکم أهل دار قوم مؤمنین، و إنا إن شاء الله بکم لاحقون. و یرحم الله المستقدمین منا و منکم و المستأخرین، نسأل الله لنا و لکم العافیة، اللهم لا تحرمننا أجرهم ولا تفتننا بعدهم، و اغفر لنا و لهم».^{۲۸}

ب) عملکرد صحابه

افزون بر حجیت قول و فعل پیامبر اکرم ﷺ، عملکرد صحابه نیز کم و بیش گویای مشروعیت نماز و دعا، نزد قبر مطهر پیامبر اکرم ﷺ است. ابن ابی شیبیه (م. ۲۳۵ ه. ق) در کتاب «المصنف»، روایتی از مالک الدار (انباردار عمر بن خطاب) نقل کرده است به این مضمون که در زمان عمر، مردم دچار قحطی و خشکسالی شدند. مردی کنار قبر پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! مردم نابود شدند. از خداوند برای امت خود طلب باران کن». رسول خدا ﷺ در عالم خواب به آن مرد مژده باران داد. در ادامه گزارش آمده است که آن مرد، ماجرای خوابش را برای عمر نقل کرد. قطرات اشک از چشمان عمر جاری شد و گفت: «خداوندا کوشش کردم؛ ولی همیشه ناتوان بودم».^{۲۹}

گفتنی است حدیث یاد شده را غیر از ابن ابی شیبیه، بسیاری از بزرگان اهل سنت، از جمله ابوبکر احمد بن ابی خثیمه (م ۲۷۹ ه. ق) در «التاریخ الکبیر»،^{۳۰} ابن عبدالبر (م ۴۶۳ ه. ق) در «الاستیعاب»^{۳۱}، محب‌الدین طبری (م ۶۹۴ ه. ق) در «الریاض النضره فی مناقب العشره»،^{۳۲} ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ه. ق) در «البدایه و النهایه»^{۳۳} و دیگران در کتب خود روایت کرده‌اند. افزون بر این، برخی از آنان از ابن کثیر،^{۳۴} ابن حجر عسقلانی،^{۳۵} القسطلانی^{۳۶} و عبداللطیف آل‌الشیخ،^{۳۷} آن را به لحاظ سند نیز تأیید کرده و صحیح دانسته‌اند.^{۳۸}

بنابراین در زمان عمر بن خطاب، که نزدیک به عصر پیامبر اکرم ﷺ بود و تمام افراد نیز قول و فعل پیامبر ﷺ را به یاد داشتند، می‌بینیم یکی از آنان نزد قبر حضرت ﷺ

می‌آید و مشکل خشکسالی را مطرح می‌کند و نه تنها هیچ‌کس این اقدام را سرزنش نمی‌کند، بلکه خلیفه وقت، گفته او را تأیید می‌کند. آیا این مسئله، خود بهترین دلیل بر پذیرش مشروعیت دعا نزد قبر پیامبر ﷺ از سوی مسلمانان نیست؟

ممکن است برخی سؤال کنند که ماجرای یادشده، مربوط به جواز توسل به شخص پیامبر اکرم ﷺ است، درحالی‌که موضوع مورد بحث، مشروعیت مطلق دعا نزد قبر آن حضرت است و این دو با هم متفاوت‌اند. پاسخ این است که وقتی از طریق این گزارش، بتوانیم جواز توسل به شخص پیامبر اکرم ﷺ را ثابت کنیم، از طریق قاعده اولویت، مشروعیت مطلق دعا نزد قبر آن حضرت نیز ثابت می‌شود؛ زیرا آنچه بیش از همه حساسیت و هابیت را برانگیخته است، مسئله توسل به پیامبر اکرم ﷺ و سایر اولیای الهی است و مسئله دعا نزد قبور مطهر آن حضرات علیهم‌السلام، از نظر وهابیت، در مرحله بعد قرار می‌گیرد؛ چنان‌که عبارت‌های نقل شده از آنان در ابتدای فصل، گویای این مطلب است. با تفحص در سیره مسلمانان صدر اسلام، غیر از مورد یادشده، موارد دیگری نیز می‌توان یافت که به منظور پرهیز از طولانی شدن مباحث، از بررسی آن صرف نظر می‌کنیم.

ج) فهم شارحان

علت مخالف وهابیت با دعا و نماز نزد قبور مطهر پیامبر اکرم ﷺ و سایر اولیای الهی، برداشت ناصواب آنان از بعضی احادیث است که در متون روایی اهل سنت، به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهند؛ از جمله اینکه ادعا می‌کنند پیامبر ﷺ درباره یهود فرمود: «خدا یهود را بکشد؛ زیرا قبور انبیای خود را مسجد قرار دادند».^{۳۶} در حالی که اگر چنین سخنی را پیامبر اکرم ﷺ فرموده باشد، ناظر به کار حرامی است که یهود نزد قبور پیامبران علیهم‌السلام مرتکب می‌شدند؛ نه اینکه ناظر به اصل نماز و دعا کنار قبور مطهر پیامبران علیهم‌السلام باشد و برساند که این عمل، حرمت ذاتی دارد؛ همان‌گونه که عالمان بزرگ اهل سنت نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند.

ابن عبدالبر (م ۵۴۶۳ ه.ق) در «التمهید» پس از نقل حدیث یادشده، معنایی را غیر از آنچه وهابیان فهمیده‌اند، بیان می‌کند. به گفته او، حدیث بر این دلالت دارد که سجده بر قبور پیامبران علیهم‌السلام حرام است. احتمال هم دارد که حدیث بر این معنا دلالت داشته باشد که نباید قبور پیامبران علیهم‌السلام را قبله قرار داد و به سوی آن نماز خواند. وی می‌افزاید گروهی پنداشته‌اند در این حدیث، دلالتی بر کراهت نماز در مقبره و به سمت قبور وجود دارد؛ حال آنکه نزد من، چنین قولی حجت نیست.^{۴۰} ابن عبدالبر در جای دیگر در تحلیل احادیث یادشده گفته است:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر امت خود نگران بود که مبدا آنان، همان شیوه‌ای را پیش بگیرند که برخی از امت‌های گذشته پیش گرفته بودند؛ آنان وقتی یکی از پیامبرانشان رحلت می‌کرد، اطراف قبرش جمع می‌شدند و همانند بت پرستان، قبر آن پیامبر را عبادت می‌کردند.... پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیوسته اصحاب و سایر امت خود را هشدار می‌داد که مبدا همانند امت گذشته، به سوی قبر او نماز بخوانند و آن را قبله و مسجد قرار دهند؛ همان‌گونه که بت پرستان، بت‌های خود را قبله قرار می‌دادند و به سوی آنها، سجده می‌کردند و نماز می‌خواندند.^{۴۱}

قاضی بیضاوی (م ۶۹۱ ه.ق) نیز در «تحفه‌الابرار» گفته است:

از آنجا که یهود و نصارا به منظور بزرگداشت پیامبران، قبور آنان را سجده می‌کردند و آن را قبله خود قرار داده بودند و به سمت آن نماز می‌خواندند و آن قبور، بت آنان شده بود، خدای متعال آنان را لعنت کرد و مسلمانان را از این گونه کارها نهی فرمود. اما اگر کسی جوار قبر بنده صالحی را مسجد قرار دهد یا در مقبره او نماز بخواند و قصد او از این کار، بهره‌مند شدن از ثواب بیشتر یا رسیدن ثوابی به روح آن بنده صالح باشد، و نه تعظیم و توجه به او، در این صورت، حرجی بر او نخواهد بود.^{۴۲}

گفتنی است بسیاری از علمای اهل سنت، متن سخن بیضاوی یا مضمون آن را در کتب خود آورده‌اند؛^{۴۳} از جمله طیبی (م ۷۴۳ ه.ق) در «شرح المشکاة»،^{۴۴} ابن حجر

عسقلانی (م ۸۵۲ هـ.ق) در «فتح الباری»،^{۴۵} بدرالدین عینی (م ۸۵۵ هـ.ق) در «عمدة القاری»،^{۴۶} جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ هـ.ق) در «حاشیة السندی»،^{۴۷} القسطلانی (م ۹۲۲ هـ.ق) در «ارشاد الساری»^{۴۸} و مناوی (م ۱۰۳۱ هـ.ق) در «فیض القدیر»^{۴۹}. البته هر چند برخی از شخصیت‌های یادشده، اطلاق کلام بیضاوی بر جواز نماز و دعا نزد قبور بندگان صالح را به نداشتن ترس از مفسده مشروط کرده‌اند، ولی این نیز به نوعی تأیید اصل دیدگاه بیضاوی تلقی می‌شود.^{۵۰}

(د) فهم فقها

دلیل دیگر بر اینکه احادیث مورد استناد وهابیان، دلالتی بر ادعای آنان ندارد، این است که عموم فقهای اهل سنت، به‌ویژه فقیهان سه مذهب از مذاهب چهارگانه معروف، از احادیث نهی، تنها جواز یا در نهایت کراهت نماز نزد قبور را فهمیده و بر آن فتوا داده‌اند و از آنان سخنی بر حرمت، شرک، کفر یا بدعت بودن نماز نزد قبور، شنیده نشده است. در اینجا به فشرده دیدگاه مذاهب یاد شده اشاره می‌شود:

- علمای مذهب حنفی، تنها به کراهت نماز در قبرستان فتوا داده‌اند: «ذَهَبَ الْحُنَفِيُّ إِلَى أَنَّهُ تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِي الْمَقْبَرَةِ».^{۵۱}

- علمای مذهب مالکی، بر جواز نماز در کنار قبور فتوا داده و گفته‌اند، نماز در قبرستان، خواه آباد باشد یا متروک، نبش شده باشد یا سالم، قبرستان مسلمانان باشد یا مشرکان، جایز است: «قَالَ الْمَالِكِيُّ: تَجُوزُ الصَّلَاةُ بِمَقْبَرَةِ عَامِرَةَ كَأَنَّتْ أَوْ دَارِسَةَ، مَبُوشَةَ أُمَّ لَأَ، لِمُسْلِمٍ كَأَنَّتْ أَوْ لِمُشْرِكٍ».^{۵۲}

- علمای مذهب شافعی به تفصیل قائل شده و در این باره گفته‌اند: اگر قبرستان نبش شده باشد، نماز در آنجا صحیح نیست ... البته عدم جواز در صورتی است که زیر پای خود، چیزی پهن نکند؛ وگرنه نماز خواندن در آنجا مکروه است. اما اگر نبش نشده باشد، بدون هیچ مخالفی، نماز صحیح است: «وَفَصَّلَ الشَّافِعِيُّ الْكَلَامَ فَقَالُوا: لَا تَصِحُّ الصَّلَاةُ فِي الْمَقْبَرَةِ الَّتِي تَحَقَّقَ نَبْشُهَا... إِذَا لَمْ يُبْسَطْ تَحْتَهُ شَيْءٌ، وَإِنْ بُسِطَ تَحْتَهُ شَيْءٌ تَكْرَهُ».

وَأَمَّا إِنْ تَحَقَّقَ عَدَمُ نَبِيَّهَا صَحَّتِ الصَّلَاةُ بِلاِ خِلَافٍ».^{۵۳}

ابن عبد البر (م. ۴۶۳ هـ.ق) در کتاب تمهید پس از بیان حدیث «صَلُّوا فِي بُيُوتِكُمْ» و حدیث «لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ» و پس از اذعان به صحت سند آنها، گفته است: «چون این دو حدیث تأویل پذیرند، نمی‌توان در حکم به حرمت نماز کنار قبور، به آنها استناد کرد؛ زیرا حکم به حرمت نماز در هر مکان پاکیزه و طاهر، تنها با دلیل قطعی که تأویل بردار نباشد، ممکن است».^{۵۴} وی سپس افزوده است که پیامبر ﷺ مسجد خود را در قبرستان مشرکان بنا کرد.^{۵۵}

ابن عبد البر در جای دیگری در رد احادیث نهی، گفته است: «وَهَذَا الْأَثَرُ قَدْ عَارَضَهَا قَوْلُهُ ﷺ جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا». این روایات با این حدیث پیامبر ﷺ که فرمود: «همه زمین برای من مسجد و پاکیزه قرار داده شده است» و با این حدیث ایشان که به ابوذر فرمود: «هر گاه وقت نماز فرا رسید، در هر جا که بودی، آن را به جای آور؛ زیرا تمام زمین برای من مسجد و پاک قرار داده شده است»، در تعارض است. این دو روایت بر احادیث نهی، مقدم هستند و علت برتری و تقدم این دو حدیث بر روایات نهی، این است که مسجد قرار داده شدن همه زمین برای پیامبر اکرم ﷺ فضیلتی بزرگ است که بین همه پیامبران ﷺ، تنها به آن حضرت ﷺ اختصاص داده شده است و چیزی که فضیلت اختصاصی آن حضرت باشد، احادیث نهی نمی‌توانند آن را نسخ کنند.^{۵۶}

ه) احادیث تبیین کننده

صرف نظر از اظهار نظر شارحان حدیث و فقهای بزرگ اهل سنت، از بعضی احادیث منسوب به پیامبر اکرم ﷺ نیز استفاده می‌شود که آن حضرت ﷺ از اینکه خدای متعال کنار قبر مطهرشان عبادت شود، اعم از نماز، دعا، زیارت و همانند آن، مخالفت نکردند. اما از اینکه مبادا برخی افراد درباره ایشان به غلو متمایل شوند، هشدار داده‌اند؛ چنان که حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَتَنَاءً يَعْبُدُ. اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ

عَلَى قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»^{۵۷} «خدایا! قبرم را بتی قرار مده که عبادت شود. غضب سخت خدای متعال بر قومی است که قبور پیامبرانشان را مسجد قرار دادند».

با اندک تأمل در حدیث یاد شده، به خوبی می‌توان همان مطالبی را که از قاضی بیضاوی بیان شد، فهمید؛ زیرا حدیث، تنها بر حرمت پرستش قبر پیامبر ﷺ دلالت دارد و نه چیزی بیشتر از آن؛ همان پرستش حرامی که برخی اقوام گذشته، درباره پیامبران خود مرتکب شدند.

حدیث دیگری که درستی مطلب یاد شده را ثابت می‌کند، حدیث صحیح السنند ۵۸ قیس بن سعد است. او می‌گوید:

به حیره رفتم و دیدم اهالی آنجا، مقابل امیر خود سجده می‌کنند. وقتی خدمت پیامبر ﷺ رسیدم، عرض کردم: «من در حیره دیدم که مردم، امیر خود را سجده می‌کنند و حال آنکه شما، رسول خدا ﷺ، سزاوارترید که در برابرتان سجده کنیم». پیامبر ﷺ فرمود: «اگر بر قبر من عبور کنی، آن را سجده خواهی کرد؟». گفتم: «خیر». فرمود: «پس چنین نکنید».^{۵۹}

آنچه در این حدیث شریف مطرح است، نهی از سجده بر شخص پیامبر اکرم ﷺ، یا بر قبر مطهر ایشان است، و نه بیشتر. بی‌شک این مسئله‌ای است که حرمت آن نزد همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی، مسلم و بدیهی بوده است و هیچ یک از مسلمانان در هیچ جای عالم، نه به آن معتقدند و نه آن را مرتکب می‌شوند.

بنابراین وقتی معلوم شد که معنای نهی پیامبر اکرم ﷺ از مسجد قرار دادن قبر شریف در احادیث یاد شده، منع از سجده کردن بر قبر مطهر و غلو درباره ایشان است، در این صورت، وهابیت چه دلیل منطقی بر حرمت دعا و نماز کنار قبر مطهر آن حضرت ﷺ می‌تواند اقامه کند؟ در پایان گفتنی است دلایلی که به مسئله جواز، بلکه برتری نماز و دعا نزد قبور می‌پردازد، چنان گسترده است که در این نوشتار، مجال طرح همه آنها نیست و ما تنها به نمونه‌هایی از این دست بسنده کردیم.

نتیجه

با بررسی و تحلیل احادیث مختلفی که پیرامون نماز و دعا نزد قبور آمده است و با نگاهی گذرا به عملکرد صحابه در این باره و با بیان گوشه‌ای از استنباط فقها و علمای اهل سنت از احادیث یاد شده، ناصواب بودن برداشت وهابیان از احادیث نهی، آشکار، و معلوم شد که نماز خواندن و دعا کردن نزد قبور، نه تنها جایز است، بلکه در پاره‌ای موارد، برتر از سایر اماکن است. همچنین در این نوشتار، تا حدودی روش سخیفانه این گروه نیز، که گزینش مغرضانه بعضی از روایات و دور انداختن بعضی دیگر از آنهاست، بر ملا شد.

البته ناگفته نماند که شبهات مطرح شده از سوی وهابیان، تحت عنوان سجده بر قبور، نماز خواندن برای قبور، طواف قبور و عبادت آنها، تهمت‌هایی است که هیچ یک از فرقه‌های اسلامی، آن را بر نمی‌تابند و آنان با توجه به آنچه در مکتب توحیدی پیامبر ﷺ آموخته‌اند، از این رفتارها مبرا هستند. اگر هم نمازی در کنار قبور خوانده شود، صرفاً برای تقرب به درگاه الهی است و تبرک جویی به این اماکن شریف نیز، به خاطر جلب خشنودی و رضایت پروردگار است.

پی نوشتها

۱. «لَمْ يُقَلْ أَحَدٌ مِنْ أئِمَّةِ السَّلَفِ: إِنَّ الصَّلَاةَ عِنْدَ الْقُبُورِ وَفِي مَشَاهِدِ الْقُبُورِ مُسْتَحَبَّةٌ أَوْ فِيهَا فَضِيلَةٌ وَلَا إِنَّ الصَّلَاةَ هُنَاكَ وَالِدُعَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي غَيْرِ تِلْكَ الْبُقْعَةِ وَالِدُعَاءِ؛ بَلْ اتَّفَقُوا كُلُّهُمْ عَلَى أَنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسَاجِدِ وَالْيُتُوتِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْقُبُورِ - قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ؛» زيارة القبور، ص ۲۸؛ مجموع الفتاوى، ج ۲۷، ص ۷۸.
۲. اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة اصحاب الجحيم، ج ۱، ص ۳۳۵.
۳. «المرتبة الرابعة [من البدعة] ان يظن أن الدعاء عند قبره مستجاب».
۴. «و من ظن أن الدعاء عند القُبُور أفضل من الدعاء في المَسَاجِدِ فقد كفر فقد اتفق أئمة المسلمین على أن اتِّخَاذَ الْقُبُورِ لِلدُّعَاءِ عِنْدَهَا أَوْ الصَّلَاةَ لَيْسَتْ مِنْ دِينِ الْإِسْلَامِ؛» مختصر الفتاوى المصرية، ص ۵۷.
۵. «... وأما بعد موته، فحاشا وكلا أنهم سألوه ذلك عند قبره، بل أنكر السلف الصالح على من قصد دعاء الله عند قبره، فكيف بدعائه نفسه؛» كشف الشبهات، ص ۵۱.
۶. «أن الدعاء عند القبور غير مشروع سواء كان القبر قبر النبي صلي الله عليه وسلم أو غيره، وليست محلاً للإجابة؛» مجموع فتاوى ابن باز، ج ۶، ص ۳۲۷.
۷. فتاوى نور على الدرب لابن باز، ج ۲، ص ۲۴۷.
۸. «لأن دعاء غير الله شرك أكبر مخرج عن المملعة... إن قصد الدعاء عند القبور بدعة وقد يكون وسيلة إلى الشرك؛» فتاوى اسلامية، ج ۳، ص ۴۹۲.
۹. ر.ك: فتاوى نور على الدرب لابن باز، ج ۲، ص ۲۴۷.
۱۰. صحيح البخارى، ج ۲، ص ۸۸.
۱۱. همان، ج ۱، ص ۹۴.
۱۲. صحيح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۸.
۱۳. السنن الكبرى، نسائي، ج ۲، ص ۴۶۸.
۱۴. صحيح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱؛ المصنف، ابن ابى شيبه، ج ۳، ص ۲۷.

۱۵. در زبان عربی، وقتی «کان» بر سر فعل مضارع وارد شود، دلالت بر استمرار می کند.
۱۶. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۹.
۱۷. ر. ک: مسند ابن ابی شیبہ، ج ۳، ص ۲۷؛ مسند احمد، ج ۳۸، ص ۶۵۴؛ السنه، الخلال، ج ۳، ص ۶۰۶؛ المسند المستخرج، ابونعیم الاصبهانی، ج ۳، ص ۵۳. در پاورقی مسند احمد، ج ۳۸، ص ۸۹، تصریح شده است که حدیث، بر شرط مسلم صحیح است.
۱۸. ر. ک: مجموع الفتاوی، ابن تیمه، ج ۲۷، ص ۴۱۵؛ إرواء الغلیل، البانی، ج ۳، ص ۲۳۵.
۱۹. ر. ک: تیسیر العزیز الحمید، ص ۶۱۵؛ مجموع فتاوی ابن عثیمین، ج ۲۳، ص ۴۱۴.
۲۰. الجامع الکبیر، ج ۲، ص ۳۶۰.
۲۱. مسند ابی داوود الطیالسی، ج ۳، ص ۴۸.
۲۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۴۹۶؛ سنن ابی داوود، ج ۵، ص ۱۴۱.
۲۳. در حدیث دیگری که در صحیح مسلم و سایر متون روایی آمده است، عایشه حکایت دیگری نیز نقل می کند که در آنجا می گوید: «... پیامبر ﷺ را تعقیب کردم تا اینکه به قبرستان بقیع آمد و در آنجا توقف کرد و توقف خود را طولانی نمود: «... حَتَّى جَاءَ الْبَقِيعَ فَمَامًا، فَأَطَالَ الْقِيَامَ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». ر. ک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۹.
۲۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۹؛ البانی در احکام الجنائز، ص ۸۹، مستند حدیث را چنین آورده است: «أُخْرِجَهُ مُسْلِمًا، ج ۳، ص ۶۳؛ النسائی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ابن السنی، ص ۵۸۵؛ البيهقی، ج ۴، ص ۷۹؛ أحمد، ج ۶، ص ۱۸۰».
۲۵. وهابیت به استناد حدیثی که در متون روایی اهل سنت آمده است، مبنی بر اینکه قبر من را عید قرار ندهید، برداشت انحرافی از آن کرده و گفته اند منظور حضرت ﷺ، این است که پیوسته به زیارت قبر من مشرف نشوید. حال آنکه حضرت ﷺ دقیقاً بر خلاف برداشت وهابیان نظر داشته اند؛ زیرا از آنجا که ایام عید در طول سال، اندک است، حضرت خواسته اند بفرمایند، زیارت قبر من را همانند دید و بازدیدهای عید، به چند دفعه محدود نکنید.
۲۶. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۹.
۲۷. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۶۰؛ وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۷۸.
۲۸. اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۹۳.

۲۹. المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۶، ص ۳۵۶.
۳۰. التاريخ الكبير المعروف بتاريخ ابن ابی خثیمه، ج ۲، ص ۸۰.
۳۱. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۱۱۴۹.
۳۲. الرياض النضرة فی مناقب العشرة، ج ۲، ص ۳۲.
۳۳. البداية والنهاية، ج ۷، ص ۱۰۵.
۳۴. همان.
۳۵. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۲، ص ۴۹۵.
۳۶. المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، ج ۳، ص ۳۷۴.
۳۷. منهاج التأسیس والتقدیس، ج ۱، ص ۱۳۷.
۳۸. البتة برخی از علمای وهابی، مانند البانی، مناقشه ای در حدیث کرده اند. اما این مناقشه مردود است و بر صحت و قدرت حدیث، لطمه ای وارد نمی کند.
۳۹. «قَاتَلَ اللهُ الْيَهُودَ، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»؛ ر. ك: صحیح البخاری، ج ۱، ص ۹۵.
۴۰. التمهید، ج ۶، ص ۳۸۳.
۴۱. همان، ج ۵، ص ۴۵.
۴۲. تحفة الأبرار، ج ۱، ص ۲۵۷.
۴۳. البتة اگر علماء، کلام بیضاوی را بازگو کرده اند، به این معنا نیست که همه آنان، اطلاق دیدگاه بیضاوی را پذیرفته اند. بلکه برخی نیز آن را به امن از فتنه مقید کرده، یا در قبال آن، سکوت نموده یا موضع مخالف گرفته اند.
۴۴. شرح المشكاة (الكاشف عن حقائق السنن)، ج ۳، ص ۹۳۷.
۴۵. فتح الباری، ج ۱، ص ۵۲۵.
۴۶. عمدة القاری، ج ۴، ص ۱۷۴.
۴۷. حاشیة السندی علی سنن النسائی، ج ۲، ص ۴۰.
۴۸. ارشاد الساری، ج ۶، ص ۴۶۷.
۴۹. فیض القدیر، ج ۴، ص ۴۶۶.
۵۰. ر. ك: فتح الباری، ج ۳، ص ۲۰۸؛ شرح الزرقانی علی موطأ، ج ۴، ص ۳۶۷.

۵۱. الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۸، ص ۳۴۶.
۵۲. همان
۵۳. الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۸، ص ۳۴۷.
۵۴. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والاسانيد، ج ۵، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.
۵۵. همان.
۵۶. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والاسانيد، ج ۱، ص ۱۶۸.
۵۷. الموطأ، ج ۲، ص ۲۴۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۶۵۶.
۵۸. منظور، صحيح السنن بوردن نزد اهل سنت است.
۵۹. سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۲۴۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۰۴.